

افغانستان آزاد - آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نیاشد تن من مباد
بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

سیاسی	Political
-------	-----------

یادداشت : پورتال "افغانستان آزاد - آزاد افغانستان" به جناب محترم "سید عبدالواحد افضلی" صاحب خیر مقدم گفته و از همکاری جناب شان حسن استقبال می نماید. پورتال ضمن آنکه افشاء گری محترم "افضلی" صاحب را در ارتباط با گلبدین حکمتیار و ملا محمد عمر به دیده ارج می نگیرد، امیدوار است تا در دوام همکاری نویسنده محترم در آینده نظرات شانرا بسط و توسعه داده، جنایات و روش های ضد ملی سایر مسلمان نما ها و اجنبی پرستان را نیز هر چه بیشتر افشاء نمایند.

به امید همکاری های بیشترتان

پورتال AA-AA

نویسنده: سید عبدالواحد افضلی

دل بدست آور که حج، حج اکبر است.

از هزاران کعبه یک دل بهتر است.

پس از جنگ دوم جهانی و تقسیم نیم قاره هند به دو کشور هند و پاکستان، افغانستان مرکز مهم رقابت ها در منطقه واقع شد. امریکا و شوروی خواهان حفظ و توسعه نفوذ منافع شان درین کشور بودند. در این رقابت های مذبحانه هر دو کشور در تلاش آن بودند که بتوانند از یکدیگر هر چه بیشتر و زودتر سبقت بسته و حاکمیت استعماری شان را به دست بیاورند.

تقسیم نیم قاره هند که از آن پاکستان به وجود آمد علل سیاسی داشت که انگلیس و امریکا خواستند از آن به عنوان ابزار و ماشین جنگی در مقابل شوروی استفاده ببرند. شوروی هم در تلاش گسترش و توسعه استقرار حاکمیت خود در منطقه بود. این رقابت ها باعث ایجاد حزب خلق و پرچم شد که شوروی از آن حمایت و پشتیبانی مینمود. ضعف و خلا های سیاسی در دستگاه حاکمیت افغانستان سبب آن شد که کمونیست ها با رهبری و هدایت سردار محمد داود خان رژیم سلطنتی را بایک کودتای سفید و اژگون و نظام جمهوری را در افغانستان جاگزین ساختند. رقابت و تضادهای سیاسی روی تقسیم و تحکیم قدرت میان داودخان و خلق و پرچم در هر روز بر اوضاع سیاسی افغانستان سایه می افکند. کمونیستها وضعیت سیاسی شانرا در حاکمیت سردار محمد داودخان در خطر لمس و احساس و علیه سرنگونی آن با حمایت شوروی دست به کودتا یا به زعم خودشان انقلاب زدند. آغاز و شروع سناریوی غم انگیز در افغانستان قتل عام خانواده سردار محمد داود خان به دست کمونیست ها بود که ناجوانمردانه با چنین عمل غیر انسانی مبادرت ورزیدند. تضادهای سیاسی سالم در هر کشور و جامعه که موجب پیش رفت واقع شود میان احزاب وجود دارد. اما متأسفانه در افغانستان از کمونیست گرفته تا به آنها نیکه خود را به ظاهر به نام علم بردار اسلام معرفی و دست به اعمال غیر اسلامی میزنند. خدمت شان به منظور ملت و مردم نیست، بلکه هدف شان پیروزی استعمار است که آنها را کمک و پشتیبانی میکند. افغانستان در دهه اول بهانه خوبی برای مجاهدین و کشور های مداخله گر بود که گویا افغانستان در اشغال شوروی درآمد. اما بعد از سقوط رژیم منفور کمونیست و پیروزی برادران مجاهد. جنگ هائی که از دوده خیز اخیر با اینطرف روی احراز قدرت بین مجاهدین آغاز و صورت گرفته است. و از اثر آن کشور را در اضمحلال و قهقرای نابودی کشانیدند و هنوز هم به تداوم آن مبادرت دارند. این پدیده زشت و شوم را این بار چه عنوان میکنند؟

آیا قضاوت علمای اسلام در برابر وقایع و سناریوی غم انگیزی که در طی دو دهه ای اخیر بعد از سقوط حکومت کمونیست خانه و کاشانه ملت مظلوم افغانستان توسط مشتکی از او باش های نا بخرد با استفاده از نام دین مبین اسلام به منظور پیاده ساختن اهداف شوم استعمار آتش زده شد و هنوز هم به تداوم و شعله و رساختن آن مبادرت ورزیده،

وجان انسان های بیگناه و مظلوم کشور را قربانی بمب های انتحاری خویش میکنند، جواب مسؤلیت شان به حضور ذات پاک الله تعالی چی خواهد بود؟

آیا علمای دین حاضر هستند که حق را از باطل و باطل را از حق جدا و روی واقعیت عینی، خداوند بینا و توانا را حاضر، حکم فتوای و یا قضاوت منصفانه را مطابق به اصول و کادر دین مبین اسلام صادر، گناهکار و بیگناه را علناً معرفی کرده باشند یاخیر؟ مثلاً

در طی دوده اخیر که پایه های حکومت اسلامی توسط رهبران جهادی بنا و حاکمیت رادر دست گرفتند. به تعقیب آن جنگ های خانمانسوزیکه بین رهبران جهادی به خصوص که محرک اصلی و آغازگر آن آقای انجنیر گلبدین حکمتیار بود علیه حکومت اسلامی جناب محترم پروفیسور ربانی ترمرد و دست به شورش راکت پرانی زد، که از اثر آن ده ها هزار هموطن مظلوم ما بخاک و خون غلتیدند. شهر کابل به ویرانی و شهر ارواح مبدل شد. تا اینکه زمینه را برای ورود طالبان پاکستانی آماده ساخت.

آیا از دید علمای اسلام این ترمرد و شورش آقای حکمتیار و به تعقیب آن تجاوز سیاه طالبان پاکستانی، اصول و صبغه ای قانونی اسلامی داشت یاخیر؟

در این راستا فرض و مسؤلیت علمای دین در جهت فروکش کردن و خاتمه بخشیدن به جنگ بین دو برادر مجاهد که تا از قبل از سقوط حکومت نجیب الله در صفوف جهاد علیه قشون سرخ شوروی و حکومت کمونیست کابل میجنگیدند، قرار داشتند، چه بود؟

آیا گفته میتوانند که دلیل و علت آغاز جنگ بین این دو برادر مسلمان هم دین چی بود؟

آیا آقای حکمتیار حکومت ربانی را غیر اسلامی می پنداشت؟

و یا اینکه آقای حکمتیار علاوه به تشنه بودن قدرت در نظر داشت یک حکومت ناسیونالیست تنگ نظرانه را بنا و دیگر اقوام و ملیت های افغانستان را منزوی و از صحنه نیست و نابود نماید؟

آیا باز هم از دید علمای محترم اسلام، خداوند تعالی را در نظر گرفته گفته میتوانند که بگویند مقصر اصلی در تباهی ملت مظلوم افغانستان بعد از سقوط حکومت داکتر نجیب الله که بود؟

آیا علمای اسلام در برابر ریختن هر قطره خون بیگناهان که بی موجب ریخته می شد و هنوز هم تداوم این پروسه جریان دارد، مسؤلیت اسلامی را که در روز رستاخیز از ایشان سؤال میشود، احساس میکنند یاخیر؟

آیا این جنگ ها و تصادمات بین رهبران مسلمان جهادی از دیدگاه علمای اسلام اصول و صبغه ای اسلامی داشت و یا سیاسی؟

در این صورت فرض و دین آنها چی بود؟

آیا توانستند شخص مسؤل را مطابق به حکم فتوای اسلام به ملت و جهانیان معرفی و آنرا مقصر اصلی کشتار ملت مظلوم و انمود نموده باشند؟

آیا علیه مجرمین مسؤل پروتست و اعتراضات شان را بلند کردند یاخیر؟

سؤال جالب اینجا است. تعداد انسانهاییکه در طی دو دهه اخیر توسط جنگ های نوکران انگلیس کشته شدند و میشوند، باین مبین اسلام مطابقت دارد یاخیر؟ و یا خلاف امر و رضایت خداوند این جنایت کاران عمل کردند و میکنند؟

اگر دارد چرا مجرمین به مانند غوث زلمی محکوم بمجازات نمیشوند؟

در حالیکه دست غوث زلمی به خون ملت افغانستان آلوده نیست. موصوف را به بیست سال زندان محکوم نمودند، که البته این امر خلاف حکم الهی پنداشته میشود. مگر آدمکشان باسر فرازی هنوز هم از مسند قدرت حکم مجازات بیگناهان مظلوم را صادر میکنند.

جای افسوس است.

تجاوز سیاه زیر نام طالب در افغانستان که از طرف استعمار کهنه با رهبری حکومت و آی.اس.آی پاکستان تجویز شده بود. شبیه با حمله و تجاوز چنگیز با کشتار و قتل عام همراه بود. افغانستان را به یک پدیده و دوره سیاه در جهان زیر سؤال قرار داد. این جنایت پیشگان ظالم از هیچ نوع ظلم و جنایت که در اذهان انسان خطور نمی کرد در جهت کشتار بنده گان الله تعالی که در واقعیت امر دشمن خدا و رسول هستند، دریغ نکردند و نمیکند.

الحمد لله امروز ما می بینیم و مشاهده میکنیم که نام خدا علمای راشد و دانشمندی داریم که ساعت هادر تلویزیونها برنامه اجرا میکنند. آنچه را که در طفولیت پدر و مادر و معلم برای ما درس میدادند تکرار آنرا دوباره میشنویم. ساعت ها در مقابل تلویزیون نشسته گوش فرامیدهم که اگر شود یکی از علمای محترم ما در جهت تقبیح و محکوم کردن آنچه از جنایتکارانیکه در کشتار ملت و ویرانی کشور عزیز مادر دو دهه اخیر نقش داشته و مقصر اصلی شناخته شده اند، آنها را منحیث فرض اسلامی و رها بخشیدن گردن شان از ریسمان گناه معرفی بدارند. مگر متأسفانه که چنین انتظار به نا امیدی مبدل میشود. جالب تر از همه آنست که تضاد عدم هماهنگی در خصوصیات حقایق و عقیده دینی، برخی از علمای ما را نیز زیر سؤال قرار میدهد که این هاهم روی اختلافات سبب بروز مشکلات در بین خویش شدند که گاه و بیگاه یک دیگر را با حاشیه رفتن و یا مستقیم زیر ضربات رکیار سخنان شان مورد انتقاد قرار میدهند. البته این نوع برخورد و تضاد های ناسالم باعث ناراحتی بینندگان میشود. آنهایکه میدانند و مطالعه دارند راه آنها قبلاً تعیین شده است. اما کسانیکه در این رابطه مطالعه و معلومات کافی ندارند برای آنها مشکلاتی را ایجاد میکنند، که به کدام سمت

و جهت حرکت کنند. خیر من از عموم علمای محترم خواهش و استدعاء میکنم که رابطه نیک شان را با عذرونیاز به درگاه حق که نام خداوند بخشاینده و بی نهایت مهربان است مستحکم از حضور ذات پاک الهی برای ملت مظلوم افغانستان با ایمان پاک و صادقانه بدون در نظر داشت چنین و چنان دعا خیر نمایند که از این مصیبتیکه از اثر اعمال ناشایسته ای جنایتکاران نازل شده نجات بیابند. در اخیر از لابلای اشعار محترم آقای مختازاده ، منظومه ای که درد و رنج وطن احساس پاک شانرا به شور آورده و آنرا در قالب شعر سروده است، انتخاب و خدمت خوانندگان ارجمند تقدیم میدارم.

عالم همه ساکت.	رویید بس از خاک وطن ، مرمی و راکت
بنگر که چه حال است	یعنی که جهان پر ز کروکورو زلال است
درد و الم را	دیگر نبود تاب نوشتن ، قلمم را
بنگر که چه حال است.	می خوان رقمم راکه ز هر غصه مثال است
بنگر که چه حال است.	این عالم خاکی که پراز جنگ وجدال است
بنگر که چه حال است.	پرو حشت و پرد هشت و پیر قتل و قتال است
پر فتنه و نیرنگ .	هر قاره دوصد پاره و هر پاره دوصد رنگ
بنگر که چه حال است.	دلها همه سنگ و دل هر سنگ زغال است

ومن الله توفیق.